



علی سلیقه زاده

یا این پیراهن  
که گرگ را گرسنه کرد  
اما باور کن  
این گپَر بلدوزر می خواهد  
تخته ها  
خیلی وقت است سفید  
پوشیده اند  
و گچ ها، سیاه

سطل ها را کوتاه تر بسازید  
سیب آدم را  
شاید پیدا کردم  
نان گندمی  
که جوجه را گلو گرفت  
یا داسی  
پدری  
برادری



منوچهر کرجی



اشرف السادات کمانی



شعله خسروی بابادی



نسرین حسینی

### چشمه زلال

کاشکی مثل اسیری ته زندان تو باشم.  
تا همیشه هدف غمزه‌ی مژگان تو باشم.  
کاشکی، ها، تو عسس باشی و من طالب زندان  
تا که دربند غزل‌های پریشان تو باشم  
من که بیمار توام کاش که در لحظه‌ی مرگ  
توی چنگال هما با لب خندان تو باشم.  
به سراب تو رسیدن نه که رویای محالی است.  
لب آن چشمه‌ی جوشان تو عطشان تو باشم.  
کاش در ملک وجودم که همه مالک آنی  
یک شب از دولت اقبال تو مهمان تو باشم.  
تو که سر چشمه‌ی عشقی بر من باز روان شو.  
تا که چون ریگ روان صیقل آبان تو باشم.



### مادرم تو جایگاهت آسمان

عرش علیین و فرش کهکشان  
دیده ات بر چشم نقاشان عشق  
دست تو طراحی جام جهان  
می کشی نقاشی از مهر و وفا  
با صفای زندگی، از عمق جان  
زخمی از درد زمان داری به دست  
پینه‌ی دستان کار کودکان  
تو همان عشقی که شیرین ساخت تلخ  
با تو مادر، کوه غم گردد نهران  
درد اگر بارد بر احوال زمین  
عشق و لبخند تو، شادابی رسان  
همچنان پروانه مانی دور شمع  
سوزی و، باعشق، عشقت در امان  
تابلو رنگین کمانی چار فصل  
گرم و سرد و هم بهاران و خزان

### گیتار عشق

هرروز حس می‌کنم هستی کنارم  
می‌بینمت ای تو همه دارو ندارم  
چون که خودت میخواستی خوردم. قسمها  
به جان تو عشق مرا بردند غمها  
دنیا ندیده عاشقی مثل من وتو  
وقتی نباشی غم می آید ضرب دردو  
گیتار عشقت رایزن باریتم تازه  
هم این ترانه هم صدایت چاره سازه  
آری صدایت از نگاهت خواند اینجا عاشق تراز  
من کی برایت ماند اینجا  
گرم صدا گرم نگاهت مانده ام من  
از چشمهایت راز خود را خوانده ام من  
ای کاش میشد پیش، من تنها بمانی  
عاشق تراز ما کیست؟ باید که بدانی  
قلب من آنجایی ست که یاد تو باشد  
عشقم سکوت و حرف فریاد تو باشد  
یک ساعت از تو دوربودن سخت سخت است  
قلبم بدون تو یقیناً تیره بخت است

### اعجاز مسیحایی

من در اعجاز مسیحایی تو گم شده ام  
در نگاه دل‌دریایی تو گم شده ام  
از شبی که نفسم، نای نفسهای تو شد  
در نیستان تماشایی تو گم شده ام  
عشق تو راهی صد کوچه‌ی بن بستم کرد  
گر چه در عشق اهورایی تو گم شده ام  
به همان علقه‌ی زلفی که مرا حلقه‌ی دار  
سالها در شب رویایی تو گم شده ام  
شانه زن گیسوی افشان شده بر دوشم را  
در دل زلف چلیپایی تو گم شده ام  
نپرد شاپرک پلک من از بستر خواب  
در فضایی تب‌یلدایی تو گم شده ام  
غزلستان غم سینه نسرین گلگون  
تا در این حسرت شیدایی تو گم شده ام

